

مدیریت ورزشی - تابستان ۱۳۸۸

شماره ۱-ص ص : ۲۲۳ - ۲۰۳

تاریخ دریافت : ۱۱ / ۰۶ / ۸۷

تاریخ تصویب : ۲۵ / ۰۹ / ۸۷

نقش سرفصل و محتوای دروس تربیت بدنی در کارآفرینی دانش‌آموختگان این رشته

ابوالفضل فراهانی^۱ _ محمود گودرزی _ نسرين عزيزيان كهن _ علي اكبر احمدي
استاد دانشگاه پیام نور تهران، دانشیار دانشگاه تهران، دانشجوی دکتری تربیت بدنی،
استادیار دانشگاه پیام نور تهران

چکیده

هدف از انجام این تحقیق، بررسی نظرهای دانشجویان تربیت بدنی و کارفرمایان ورزشی در زمینه سرفصل و محتوای دروس تربیت بدنی است. این مطالعه درصدد پاسخگویی به این پرسش است که آیا محتوای دروس نقش موثری در کارآفرینی دانش‌آموختگان دارد یا خیر؟ روش تحقیق توصیفی و از نوع میدانی است. به این منظور ۲۶۰ نفر از دانشجویان و ۴۹ نفر از کارفرمایان بخش ورزشی استان اردبیل به‌عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها به منظور پاسخدهی به پرسش‌های اصلی تحقیق از پرسشنامه محقق ساخته که شامل ۴۴ سؤال بسته‌پاسخ در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت برای دانشجویان و پرسشنامه‌ای حاوی سؤالات مشابه با سؤالات دانشجویان و دو سؤال پاسخ‌باز برای کارفرمایان است، استفاده شد. اعتبار پرسشنامه‌ها توسط متخصصان تربیت بدنی تأیید و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ ۷۳ درصد ارزیابی شد. نتایج تحقیق نشان داد بین نظر دو گروه از کارفرمایان (مربی‌ان و مدیران ستادی) درخصوص تناسب سرفصل دروس تربیت بدنی با نیازهای شغلی ($T = 2/92$ و $P = 0/56$) و راهکارهای آموزشی از طریق مراکز کارآفرینی ($T = 0/68$ و $P = 0/35$) و نقش دانشکده‌های تربیت بدنی در تقویت روحیه کارآفرینی ($T = 1/91$ و $P = 0/26$) و نقش دولت در حمایت از فعالیت‌های کارآفرینانه دانش‌آموختگان ($T = 0/20$ و $P = 0/16$) تفاوت آماری معنی‌داری وجود ندارد. لزوم آموزش کارآفرینی به دانشجویان تربیت بدنی، ایجاد فضای میانه و تعاملی بین محیط‌های یادگیری و اجرا، تجدیدنظر و انطباق سرفصل و محتوای دروس با نیازهای جامعه و تدوین قوانینی که بتواند از نوآوری‌ها و خلاقیت‌ها در عرصه ورزش حمایت کند، از دیگر مؤلفه‌های مورد بحث در این مقاله است.

واژه‌های کلیدی

کارآفرینی، نیازهای آموزشی سرفصل دروس، دانش‌آموختگان تربیت بدنی.

مقدمه

روند تاریخی توسعه اقتصادی و صنعتی کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که پویایی نظام آموزش و پیوند عمیق بین علم و فناوری با بازار کار، یکی از عوامل مهم ترقی، شکوفایی و توسعه اقتصادی و فرهنگی آنها بوده است. در واقع، توسعه هر کشور در گرو استفاده بهینه از همه امکانات به‌ویژه نیروی انسانی است که یکی از مهم‌ترین و کلیدی‌ترین سرمایه‌های آن کشور محسوب می‌شود و بی‌شک در این میان نقش نیروی انسانی متخصص بیش از دیگران است.

یکی از دلایل بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی، عدم کسب مهارت یا انباشت محفوظاتی است که ارتباط روشن و تعریف‌شده‌ای با نیازها و زمینه‌های شغلی ندارد. ضمن اذعان به اینکه تنها مؤسسات دولتی مسئولیت ایجاد کار برای دانش‌آموختگان را عهده‌دار نیستند، لزوم تغییر ساختار جذب دانش‌آموختگان دانشگاهی و آموزش‌های کارآفرینی به منظور ایجاد توانمندی‌های کارآفرینی حایز اهمیت است.

به علت اهمیت کارآفرینی^۱، دانشگاه‌های کشورهای در حال توسعه و پیشرفته با توجه به نیازها و امکانات خود برنامه‌های آموزشی و پژوهشی ویژه و متنوعی را در دو دهه گذشته برای آموزش دانشجویان به اجرا گذاشته‌اند. در برنامه‌های تدوین‌شده آموزش کارآفرینی، آنچه بیشتر مورد توجه قرار گرفته است مناسب بودن شیوه‌های تدریس، ایجاد و گسترش مفهوم و فرهنگ کارآفرینی در محیط دانشگاه، ایجاد تحرک برای توسعه اقتصادی، ترغیب دانشگاه‌ها به برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی کارآفرینی، حمایت‌های اطلاعاتی، مشاوره‌ای و مالی لازم به‌منظور راه‌اندازی فعالیت‌های کارآفرینانه از سوی دانشجویان و دانش‌آموختگان است (۱). بسیاری از مؤسسات آموزش عالی، آموزش کارآفرینی را لازمه رشد فردی انسانی مطرح می‌کنند و آموزش کارآفرینی در حال تبدیل به یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین فعالیت‌های دانشگاهی است (۱۰). جونز - اوانز^۲ (۲۰۰۰) اساس برنامه‌ای آموزشی کارآفرینی را آموختنی می‌داند (۱۶). براین اساس دانشگاه به‌عنوان یک مکان آموزشی و پایگاه تولید علم، باید دانش کارآفرینی را با توجه به مسائل اقتصادی و اجتماعی منطقه در کشور تبیین کند و از سوی دیگر، با برنامه‌ریزی و سیاستگذاری دقیق از کارآفرینان، حمایت‌های پژوهشی به‌عمل آید (۱۰). موریس^۳ به نقل از کلازراک^۴ (۱۹۹۸) بیان می‌کند که حرکت به سوی کارآفرینی از عدم تعادل بین احساس نیاز در مقابل عدم احساس نیاز در دانشگاه افزایش می‌یابد و راه‌حل بازگشت به تعادل این است که دانشگاه‌ها کارآفرین شوند (۱۸). اغلب کشورها به این نتیجه رسیده‌اند که برای کسب موفقیت اقتصادی در عرصه

1- Entrepreneur - Evens

2 - Jones - Evens

3 - Morris

4 - Kelazrak

ملی و بین‌المللی و عرضه خدمات و تولید محصولات در سازمان‌ها و شرکت‌ها، نیاز مبرم به توسعه کارآفرینی است تا به عنوان عامل اصلی تغییر و محرک اصلی توسعه، حرکت‌هایی را آغاز کند تا به خلاقیت و نوآوری مستمر منجر شود (۱۰). ژاپن، جزو اولین کشورهایی است که در اواخر دهه ۵۰ میلادی آموزش کارآفرینی و ترویج فرهنگ آن را از سطح دبیرستان آغاز کرد و در مدت کوتاهی آموزش کارآفرینی در این کشور به سطح دانشگاه‌ها هم کشیده شد. کارتتون^۱ (۲۰۰۰) آموزش را عامل شکل‌گیری بینش حرفه‌ای می‌داند که این بنیاد فراهم‌آورنده مقدمات کارآفرینی است (۱۷). فلاح شهیدی (۱۳۸۵)، شناسایی علایق و استعدادهاى دانشجویان، گسترش خدمات مشاوره شغلی، آشنا شدن با مهارت‌های خوداشتغالی، آشنا کردن دانشجویان با دامنه متنوع مهارت‌های شغلی، استفاده از فیلم‌های آموزشی و راه‌اندازی مراکز کارآفرینی در دانشگاه‌ها را از راهکارهای مؤثر در تقویت روحیه کارآفرینی دانشجویان می‌داند (۸). سارح جک و الیستر اندرسون^۲ (۱۹۹۹)، معتقدند شرایط دانشگاهی چه در بعد نظری و چه در بعد علمی، باید منعکس‌کننده ماهیت واقعی کارآفرینی باشد و همکاری بین دانشگاه و صنعت برای تحقیقات کاربردی و کارآفرینی لازم است (۲۰). در برنامه‌ریزی درسی تربیت بدنی، نصر اصفهانی و نساج (۱۳۷۹)، معتقد به افزودن دروس اختیاری و انتخاب آن برحسب علایق و نیازهای دانشجویان هستند. علیزاده و نصیری (۱۳۸۰) نیز گسترش و توسعه دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی را در ایجاد توانمندی‌های کارآفرینی مؤثر می‌دانند (۱۴). فروغی‌پور (۱۳۸۴)، هفت زمینه اصلی برای کارآفرینی در ورزش را شناسایی و معرفی کرده است. ایشان در نتیجه پژوهش خود به کارآفرینی در زمینه تبلیغات، مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، آموزش و پژوهش در ورزش، ورزش همگانی، ورزش قهرمانی حرفه‌ای، ساخت وسایل و تجهیزات ورزشی، خدمات ورزشی و امور فرهنگی در نگاهی نو به آموزش‌های کارآفرینی به روش‌های آموزش دیداری - شنیداری، یادگیری مشارکتی، برگزاری گردش علمی و دعوت از کارآفرینان به عنوان سخنران و نوشتن طرح‌های کارآفرینی توسط دانشجویان تأکید کرده‌اند (۶). به علاوه باید اذعان کرد که اگر بازدهی دانش‌آموختگان رشته تربیت بدنی و جذب آنها در مشاغل وابسته به این رشته، محتوای دروس و آموخته‌های ایشان با نیاز جامعه و بازار کار همخوانی داشته باشد، می‌توان به کارایی و بهره‌وری رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی در جامعه امیدوار بود.

براین اساس این تحقیق به منظور بررسی نظرهای دانشجویان و کارفرمایان بخش ورزشی انجام شده است که در پی شناخت نیازهای اشتغال در ورزش از منظر دانشجویان و کارفرمایان و شناخت انطباق و همسویی آنچه دانشجویان در دانشگاه می‌آموزند با آنچه کارفرمایان انتظار توانایی و تسلط در انجام امور مربوط به این حوزه کاری را دارند، است.

1 - Karttunen

2 - Sareh, Jake and Alrstairs Anderson

روش تحقیق

این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی - تحلیلی است. در این تحقیق نیازهای آموزشی دانشجویان رشته تربیت بدنی در راستای تقویت روحیه کارآفرینی از طریق پرسشنامه بررسی شده است.

جامعه آماری تحقیق

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی، پیام نور و آزاد رشته تربیت بدنی استان اردبیل (۷۸۰ نفر)، کلیه کارفرمایان ورزشی استان (مدیران ستادی و مربیان) (۴۹ نفر) است. برآورد حجم نمونه براساس جدول مورگان تعیین شد و شیوه نمونه‌گیری تصادفی بود. در این پژوهش ۲۶۰ دانشجو به عنوان نمونه انتخاب شدند. در مورد کارفرمایان از روش تمام‌شماری استفاده شد.

ابزار تحقیق

ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق دو پرسشنامه محقق‌ساخته جداگانه برای کارفرمایان و دانشجویان است. هرکدام از پرسشنامه‌ها حاوی ۴۴ سؤال است که به چهار بخش تقسیم شده است. مؤلفه‌های مورد بررسی در پرسشنامه به همراه تعداد سؤال‌ها هر یک عبارت بودند از:

۱. تناسب دروس رشته تربیت بدنی با نیازهای شغلی (۱۲ سؤال)
۲. راهکارهای آموزشی دانشگاه از طریق مراکز کارآفرینی (۱۲ سؤال)
۳. نقش دانشکده‌های تربیت بدنی در تقویت روحیه کارآفرینی دانشجویان (۱۴ سؤال)
۴. نقش دولت در حمایت از فعالیت‌های کارآفرینانه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی (۶ سؤال)

به علاوه دو سؤال پاسخ‌باز برای کارفرمایان بخش ورزشی در پرسشنامه کارفرمایان نیز در نظر گرفته شده بود. برای اعتباریابی پرسشنامه‌ها از نظر شش تن از صاحب‌نظران و استادان و نظرهای اصلاحی ایشان استفاده شد. پایایی پرسشنامه از طریق آلفای کرونباخ ۷۳ درصد ارزیابی شد.

روش تجزیه و تحلیل آماری

برای توصیف دیدگاه‌های دانشجویان و کارفرمایان از روش‌های آمار توصیفی و برای تجزیه و تحلیل مقایسه‌ی نظرهای کارفرمایان و مربیان از آزمون T student استفاده شد.

نتایج و یافته‌های تحقیق

در این بخش، یافته‌های پژوهشی ارائه شده است. برای یافتن پاسخ هر یک از سؤال‌های اصلی چند سؤال دیگر تدوین شده و در جدول ۱ الی ۴ پاسخ‌های هر گروه از سؤال‌ها داده شده است. پاسخ‌های کارفرمایان و دانشجویان به سؤالی مبنی بر تناسب سرفصل دروس رشته تربیت بدنی با نیازهای شغلی دانشجویان در جدول ۱ ارائه شده است.

باتوجه به جدول ۱، هر دو گروه، محتوای دروس تخصصی و نظری رشته تربیت بدنی را در راستای کارآفرینی مناسب تشخیص داده‌اند. در مورد دروس آزمایشگاهی باتوجه به اینکه تجهیزات آزمایشگاهی دانشگاه‌ها متفاوت است، تفاوت در کیفیت تجهیزات و امکانات موجب عدم همسان بودن پاسخ دانشجویان شده است.

در مقایسه نظرهای دو گروه از کارفرمایان (مربیان و مدیران ستادی) درباره تناسب سرفصل با نیازهای شغلی باتوجه به داده‌های جدول ۵ و با توجه به اینکه $T = ۲/۹۲$ و $P = ۰/۵۶$ تفاوت میانگین نمره‌های مربیان ($X = ۴۷/۷۷$) در مقابل نمره‌های مدیران ستادی ($X = ۴۳/۴۵$) از نظر آماری معنی‌دار نبوده است.

جدول ۱. نظرات دانشجویان و کارفرمایان در مورد تناسب سرفصل دروس رشته تربیت بدنی با نیازهای

شغلی دانشجویان

| گویه ها | درصد | خیلی کم | | کم | | متوسط | | زیاد | | خیلی زیاد | |
|---|------|-----------|------------|-----------|------------|-----------|------------|-----------|------------|-----------|------------|
| | | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان |
| سرفصل و محتوای دروس عملی و تخصصی این رشته دانشجویان را برای ایجاد کارآفرینی کمک می کند. | درصد | - | - | ۵ | ۳۳/۷ | ۲۲/۱ | ۵۵/۳ | ۴۶/۷ | ۲۱/۱ | ۲۵/۴ | دانشجویان |
| سرفصل و محتوای دروس نظری دانشجویان را برای ارائه بهتر مفاهیم نظری رشته تربیت بدنی کمک می کند | درصد | - | ۱/۷ | ۴/۶ | ۲/۱ | ۲۵ | ۶۳/۲ | ۴۲/۹ | ۱۵/۸ | ۲۵ | کارفرمایان |
| دروس آزمایشگاهی این رشته در ایجاد اشتغال در زمینه ورزش برای دانشجویان مفید است. | درصد | - | ۱۱/۷ | ۵/۳ | ۱۱/۳ | ۳۴/۶ | ۱۸/۴ | ۲۸/۳ | ۲۶/۸ | ۱۷/۹ | دانشجویان |
| دروس رشته تربیت بدنی مفاهیم کارآفرینی و چگونگی کارآفرین شدن را به دانشجویان آموزش می دهد. | درصد | ۵/۳ | ۲/۹ | ۱۰/۵ | ۳۱/۱ | ۲۹/۶ | ۵۵/۳ | ۴۰ | ۷/۹ | ۱۴/۶ | کارفرمایان |
| سرفصل و محتوای دروس رشته تربیت بدنی دانشجویان را با مهارت های مدیریتی لازم در این رشته آشنا می کند. | درصد | - | ۰/۴ | ۷/۹ | ۱۳/۲ | ۲۴/۶ | ۵۰ | ۳۹/۲ | ۲۱/۱ | ۲۷/۵ | دانشجویان |
| سرفصل و محتوای دروس رشته تربیت بدنی دانشجویان را با مهارت های فنی لازم در این رشته آشنا می کند. | درصد | - | ۰/۸ | ۲/۶ | ۴/۶ | ۲۶/۳ | ۴۲/۱ | ۴۰/۸ | ۱۳/۲ | ۲۶/۳ | کارفرمایان |
| سرفصل و محتوای دروس رشته تربیت بدنی دانشجویان را با مهارت های شخصی لازم در این رشته آشنا می کند. | درصد | - | ۱/۳ | - | ۳/۸ | ۲۱/۷ | ۲۸/۹ | ۴۳/۸ | ۱۳/۲ | ۲۸/۸ | دانشجویان |

ادامه جدول ۱. نظرات دانشجویان و کارفرمایان در مورد تناسب سرفصل دروس رشته تربیت بدنی با نیازهای شغلی دانشجویان

| گویه ها | خیلی کم | | کم | | متوسط | | زیاد | | خیلی زیاد | |
|--|-----------|------------|-----------|------------|-----------|------------|-----------|------------|-----------|------------|
| | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان |
| سرفصل و محتوای دروس رشته تربیت بدنی دانشجویان را با مهارت های فنی لازم در این رشته آشنا می کند. | ۰/۸ | - | ۲/۶ | ۴/۶ | ۲۶/۳ | ۳۶/۸ | ۴۲/۱ | ۴۰/۸ | ۱۳/۲ | ۲۶/۳ |
| سرفصل و محتوای دروس رشته تربیت بدنی دانشجویان را با مهارت های شخصی لازم در این رشته آشنا می کند. | ۱/۳ | - | - | ۳/۸ | ۳۱/۷ | ۵۷/۹ | ۲۸/۹ | ۴۳/۸ | ۱۳/۲ | ۲۸/۸ |
| محتوای دروس مربوط به مدیریت و برنامه ریزی ورزشی می تواند در آینده شغلی دانشجو مؤثر باشد. | ۰/۴ | - | ۱۰/۵ | ۲/۳ | ۲۰/۸ | ۲۸/۹ | ۲۸/۹ | ۳۷/۱ | ۳۱/۶ | ۳۷/۱ |
| نحوه آموزش دروس عملی آمادگی لازم را برای ایجاد اشتغال در موقعیت های کوچک تر فراهم کرده است. | ۳/۸ | - | ۱۰/۵ | ۷/۵ | ۳۰ | ۳۶/۸ | ۳۴/۲ | ۳۸/۸ | ۱۸/۴ | ۱۹/۶ |
| تمرین دبیری و کارورزی در مدارس و اداره زنگ ورزش در ایجاد کارآفرینی برای دانشجو مؤثر است. | ۲/۵ | - | - | ۷/۱ | ۱۴/۶ | ۲۶/۳ | ۴۴/۷ | ۳۴/۲ | ۲۸/۹ | ۴۰/۴ |
| گنجاینیدن دروس مربوط به کارآفرینی، خوداشتغالی و مهارت های استخدامی در سرفصل دروس مفید است. | ۴/۶ | - | ۲/۶ | ۳/۳ | ۱۹/۶ | ۳۱/۶ | ۴۴/۷ | ۳۶/۷ | ۳۱/۱ | ۳۵ |
| ایجاد دروس کاربردی مانند کارورزی ، پروژه ، روش تحقیق و آشنایی با اماکن ورزشی در این رشته لازم است. | ۰/۸ | - | ۵/۳ | ۶/۷ | ۱۳/۸ | ۱۰/۵ | ۲۹/۵ | ۳۵ | ۴۴/۷ | ۴۳/۳ |

در مقایسه بین پاسخ کارفرمایان و دانشجویان، کارفرمایان کارایی دروس مدیریتی را در کارآفرینی نسبت به دانشجویان مؤثر می‌دانند. سرفصل و محتوای دروس در آموزش مهارت‌های فنی را هر دو گروه در حد زیاد ارزیابی کرده و با هم اتفاق نظر دارند. در زمینه آشنایی دانشجویان با مهارت‌های شخصی کارفرمایان برخلاف نقش مثبتی که در آموزش مبانی نظری برای سرفصل دروس قائل‌اند، کارایی محتوای دروس را در آموزش مهارت‌های شخصی مناسب نمی‌دانند. هر دو گروه اهمیت فوق‌العاده‌ای برای مبحث برنامه‌ریزی و مدیریت قائل شده و تمرکز در ارائه هرچه بهتر دروس مرتبط با برنامه‌ریزی و مدیریت ورزشی را خواستار شده‌اند.

در بررسی پاسخ کارفرمایان و دانشجویان درخصوص تمرین دبیری و کارورزی در مدارس، می‌توان گفت که دانشجویان برخلاف کارفرمایان به علت آشنا نبودن با زمینه‌های مختلف کاریابی و اشتغال در رشته تربیت بدنی برای یافتن شغل بیشتر با آموزش و پرورش و شغل دبیری ورزش آشنایی دارند و مایل به اشتغال در این زمینه‌اند و در نتیجه تأثیر گذراندن واحدهای درسی دبیری و کارورزی را در تقویت روحیه کارآفرینی بیشتر از گروه دوم ارزیابی کرده‌اند. دانشجویان نقش و الزام بیشتری بر گنجاندن دروس مربوط به کارآفرینی و خوداشتغالی و استخدامی، در کاریابی دانش‌آموختگان قائل‌اند و در نهایت هر دو گروه ایجاد دروس کاربردی مانند کارورزی، پروژه، روش تحقیق و آشنایی با اماکن و تأسیسات ورزشی را لازم می‌دانند و معتقد به گنجاندن دروس جدید در این زمینه هستند.

در مقایسه دیدگاه‌های دو گروه از کارفرمایان (مربیان و مدیران ستادی) درباره راهکارهای آموزشی دانشگاه از طریق مراکز کارآفرینی، باتوجه به داده‌های جدول ۵ و اینکه $T = ۱/۶۸$ و $P = ۰/۳۸$ ، تفاوت معنی‌دار آماری بین دیدگاه‌های این دو گروه نشان داده نشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

جدول ۲. نظرات کارفرمایان و دانشجویان در مورد راهکارهای آموزشی دانشگاه از طریق مراکز کارآفرینی

| گروه ها | خیلی کم | | کم | | متوسط | | زیاد | | خیلی زیاد | |
|--|-----------|------------|-----------|------------|-----------|------------|-----------|------------|-----------|------------|
| | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان |
| آموزش مهارت های لازم برای زندگی را به دانشجو از طریق برنامه های آموزشی دانشگاه لازم می دانم. | ۱/۳ | - | ۲/۶ | ۴/۲ | ۱۵/۸ | ۲۴/۲ | ۵۵/۳ | ۴۳/۸ | ۲۶/۳ | ۲۶/۷ |
| آشنایی دانشجو با مهارت های جستجوی شغلی و کارایی را از طریق برنامه های آموزشی دانشگاه لازم می دانم. | ۱/۳ | - | ۵/۳ | ۵ | ۱۸/۴ | ۱۹/۲ | ۵۷/۹ | ۴۱/۷ | ۱۵/۸ | ۳۲/۹ |
| کسب مهارت های لازم توسط دانشجو برای خوداشتغالی را از طریق برنامه های دانشگاه لازم می دانم. | - | - | ۲/۶ | ۶/۳ | ۳/۶ | ۲۰/۸ | ۴۲/۱ | ۳۸/۸ | ۲۳/۷ | ۳۱/۷ |
| آشنا شدن دانشجو با طیف متنوع مهارت های شغلی را از طریق برنامه های آموزشی دانشگاه لازم می دانم. | ۱/۳ | - | - | ۵/۴ | ۲/۱ | ۲۰/۸ | ۴۴/۷ | ۴۱/۷ | ۳/۶ | ۳۰/۴ |
| آشنایی دانشجو با انتظارات و مهارت های مورد نیاز کارفرمایان را از طریق دانشگاه لازم می دانم. | ۱/۳ | - | ۵/۳ | ۷/۵ | ۳۴/۲ | ۲۷/۱ | ۳۹/۵ | ۳۸/۸ | ۲/۱ | ۲۴/۲ |
| آشنایی دانشجو با فنون ایجاد کار را از طریق دوره های آموزشی دانشگاه لازم می دانم. | ۱/۷ | - | ۵/۳ | ۵/۸ | ۲۸/۹ | ۱۸/۳ | ۴۲/۱ | ۴۰ | ۳۳/۷ | ۳۳/۳ |

ادامه جدول ۲. نظرات کارفرمایان و دانشجویان در مورد راهکارهای آموزشی دانشگاه از طریق مراکز کارآفرینی

| گویه ها | خیلی کم | | کم | | متوسط | | زیاد | | خیلی زیاد | |
|--|-----------|------------|-----------|------------|-----------|------------|-----------|------------|-----------|------------|
| | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان |
| با توجه به تغییر مقررات ورزش های مختلف و نیازهای شغلی، برگزاری دوره های ضمن خدمت مفید می باشد. | ۰/۴ | - | ۵ | ۱۰/۵ | ۱۷/۱ | ۳۴/۲ | ۳۳/۳ | ۵۵/۳ | ۴۳/۸ | درصد |
| آموزش مهارت های ورزشی به دانشجو از طریق برنامه های آموزشی دانشگاه در موفقیت وی در آینده دانشجو مؤثر است. | ۰/۸ | ۵/۳ | ۲/۳ | ۳۱/۱ | ۱۸/۸ | ۴۲/۱ | ۳۷/۱ | ۳۱/۶ | ۲۹/۶ | درصد |
| استفاده از خدمات مشاوره شغلی و مشاوران متخصص در دانشگاه برای یافتن شغل مناسب در آینده دانشجو مفید است. | ۰/۸ | - | ۵ | ۱۵/۸ | ۲۰ | ۵۰ | ۳۴/۶ | ۳۳۴/۲ | ۳۸/۸ | درصد |
| تشویق دانشجویان به پذیرش کارهای داوطلبانه ورزشی می تواند در کارآفرین کردن آنان مؤثر باشد. | ۰/۸ | ۵/۳ | ۵ | ۱۵/۸ | ۱۸/۸ | ۶۰/۵ | ۴۰ | ۱۸/۴ | ۳۵ | درصد |
| برگزاری همایش ها و سمینارهای شغلی را در دانشگاه لازم می دانم. | ۱/۷ | ۲/۶ | ۲/۹ | ۱۵/۸ | ۲۲/۵ | ۴۷/۴ | ۳۶/۷ | ۳۴/۲ | ۲۶/۳ | درصد |
| دانشگاه با حمایت از طرح های دانشجویان در مورد اشتغال می تواند در ایجاد کارآفرینی مؤثر باشد. | ۲/۵ | ۲/۶ | ۴/۲ | ۱۸/۴ | ۱۹/۲ | ۵۰ | ۳۶/۳ | ۲۸/۹ | ۳۷/۹ | درصد |

پاسخ‌های کارفرمایان و دانشجویان به سؤال دوم یعنی راهکارهای آموزشی دانشگاه از طریق مراکز کارآفرینی در جدول ۲ ارائه شده است.

باتوجه به جدول ۲، کارفرمایان کسب مهارت‌های لازم برای زندگی از طریق مراکز کارآفرینی را کافی نمی‌دانند و اهمیت بیشتری به نقش این مراکز در این زمینه قائل‌اند. می‌توان گفت که کارفرمایان به دلیل حضور در جامعه و محیط کار در مقایسه با دانشجویان، تأثیر فراگیری مهارت‌های زندگی را بیشتر ارزیابی کرده‌اند. هر دو گروه آشنایی با مهارت‌های جست‌وجوی شغلی و کارایی را لازم می‌دانند و کارفرمایان بر این موضوع تأکید بیشتری دارند. این یافته ممکن است بیانگر کم‌توانی سیستم دانشگاهی در پاسخگویی به انتظارات بازار کار باشد. در زمینه آموزش مهارت‌های خوداشتغالی، آشنایی با دامنه متنوع مهارت‌های شغلی، انتظارات و مهارت‌های مورد نیاز کارفرمایان، فنون ایجاد کار و برگزاری همایش‌ها و سمینارهای شغلی، هر دو گروه با یکدیگر اتفاق نظر دارند و با درجه زیاد ارزش‌گذاری کرده‌اند. در پاسخ به لزوم برگزاری دوره‌های ضمن خدمت، کارفرمایان به‌طور محسوسی بیشتر از گروه دانشجویان به اهمیت این موضوع معتقدند و این مسئله نشان‌دهنده عدم رضایت آنان از انطباق و همسویی برنامه‌ها و مأموریت‌های آموزشی دانشگاه با شرایط متغیر و قوانین محیط کار است. در مورد آموزش مهارت‌های ورزشی، کارفرمایان شاید به وابستگی صرف موفقیت شغلی به تسلط در زمینه مهارت‌های ورزشی اعتقادی ندارند و عوامل دیگری همچون مهارت‌های کاریابی، مدیریتی و آشنایی با قوانین ورزشی را مؤثرتر می‌دانند.

در مقایسه دیدگاه‌های دو گروه در زمینه استفاده از خدمات مشاوره شغلی و مشاوران متخصص، دانشجویان خیلی زیاد و کارفرمایان گزینه زیاد را انتخاب کردند. با در نظر گرفتن این مطلب که کارفرمایان اغلب نسل‌های پیشین فارغ‌التحصیلان دانشگاه هستند و خدمات مشاوره در دانشگاه‌ها پدیده‌ای جدید به شمار می‌رود، پاسخ دانشجویان صحیح‌تر به نظر می‌رسد. در زمینه حمایت از طرح‌ها و راهکارهای ابداعی، دانشجویان خواهان ایجاد بسترهای مناسب برای خلاقیت و نوآوری و حمایت از مبتکران هستند، در حالی که کارفرمایان هنوز به جوانان اعتماد کافی ندارند و در نهایت باتوجه به اینکه هر دو گروه اهمیت تشویق دانشجویان به پذیرش کارهای داوطلبانه ورزشی را در حد زیاد ارزش‌گذاری کرده‌اند، درصد پاسخ کارفرمایان در میزان گزینش درجه زیاد به‌طور محسوسی بیشتر است که به دلیل آشنایی بیشتر با محیط‌های ورزشی و مشاهده تأثیر مثبت شناخت دانشجویان از این‌گونه محیط‌ها در فعالیت‌های کارآفرینانه آنان است. در مقایسه دیدگاه‌های مدیران ستادی و مربیان در مورد نقش دانشکده‌های تربیت بدنی در تقویت روحیه کارآفرینی و با توجه به داده‌های جدول ۵ و اینکه $T = 1/91$ و $P = 0/26$ تفاوت میانگین نمره‌های مربیان ($X = 57$) نسبت به میانگین نمره‌های مدیران ستادی ($X = 53$) معنی‌دار نیست. پاسخ‌های کارفرمایان و دانشجویان به سؤال سوم یعنی نقش دانشکده‌های تربیت بدنی در تقویت روحیه کارآفرینی دانشجویان در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. نظرات کارفرمایان و دانشجویان در مورد نقش دانشکده های تربیت بدنی در تقویت روحیه

کارآفرینی دانشجویان

| فعالیت های تاثیرگذار دانشکده های تربیت بدنی | خیلی کم | | کم | | متوسط | | زیاد | | خیلی زیاد | |
|--|------------|-----------|------------|-----------|------------|-----------|------------|-----------|------------|-----------|
| | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان |
| برگزاری دوره های آمادگی شغلی، برنامه ریزی شغلی، مهارت های استخدامی و مهارت های عمومی | - | - | - | ۲/۷۹ | ۱۰/۵ | ۱۵/۴ | ۶۵/۸ | ۴۵ | ۲۲/۷ | ۳۵/۴ |
| مشارکت دادن دانشجویان در برنامه ریزی برای ورزش های همگانی | - | ۰/۸ | - | ۲/۲ | ۱۸/۴ | ۳۰ | ۶۲/۲ | ۴۱/۷ | ۱۵/۸ | ۳۲/۳ |
| مشارکت دادن دانشجویان در مسابقات دانشگاهی برای آشنایی با محیط کسب و کار | - | ۰/۸ | - | ۲/۸ | ۳۱/۶ | ۲۰/۴ | ۴۲/۱ | ۳۵ | ۲۶/۳ | ۲۹/۲ |
| مشارکت دادن دانشجویان در محیط های خبری ورزشی و خبرنگاری برای ایجاد کارآفرینی در حوزه خبر ورزشی | - | ۱/۳ | ۲/۶ | ۴/۲ | ۲۸/۹ | ۱۹/۶ | ۵۰ | ۴۵/۴ | ۱۸/۴ | ۲۸/۳ |
| عقد تفاهم نامه همکاری دانشکده های تربیت بدنی با سایر سازمان ها به منظور انجام امور ورزشی توسط دانشجو | - | ۱/۷ | ۲/۶ | ۴/۲ | ۱۵/۸ | ۲۲/۵ | ۴۲/۱ | ۴۱/۷ | ۳۹/۵ | ۲۹/۲ |
| ایجاد انجمن های شغلی برای افزایش مهارت کار گروهی و برقراری ارتباط با دیگران | - | ۲/۱ | ۲/۶ | ۶/۳ | ۱۰/۵ | ۲۲/۱ | ۷۱/۱ | ۳۹/۳ | ۱۵/۸ | ۲۹/۶ |
| دعوت از الگوهای نمونه و پیشرو برای آگاه سازی دانشجویان در زمینه گزینش های شغلی | ۲/۶ | ۰/۸ | - | ۵/۴ | ۲/۱ | ۲۵ | ۴۴/۷ | ۳۵/۸ | ۳۱/۶ | ۳۱/۳ |

ادامه جدول ۳. نظرات کارفرمایان و دانشجویان در مورد نقش دانشکده های تربیت بدنی در تقویت روحیه

کارآفرینی دانشجویان

| فعالیت های تاثیرگذار دانشکده های تربیت بدنی | خیلی کم | | کم | | متوسط | | زیاد | | خیلی زیاد | |
|---|-----------|------------|-----------|------------|-----------|------------|-----------|------------|-----------|------------|
| | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان |
| برپایی نمایشگاه های فرصت های شغلی و ایجاد زمینه برای دیدار و گفتگوی دانشجویان با شرکت ها و کارفرمایان | - | ۱/۳ | ۲/۶ | ۵ | ۲۵/۴ | ۳۱/۶ | ۴۷/۴ | ۴۰/۸ | ۱۸/۴ | ۲۶/۳ |
| تدارک جلسات آشنایی با مدیران باشگاه ها | - | ۰/۴ | ۷/۹ | ۶/۷ | ۲۰/۴ | ۳۴/۲ | ۴۲/۱ | ۳۴/۲ | ۲۸/۹ | ۳۶/۷ |
| ایجاد فعالیت های خوداشتغالی برای تجربه های همخوان با رشته تحصیلی دانشجویان | - | - | ۵/۳ | ۵ | ۲۶/۳ | ۳۱/۶ | ۳۲/۷ | ۳۲/۹ | ۴۲/۱ | ۴۵/۸ |
| برنامه ریزی برای آموزش تخصصی یک یا دو رشته ورزشی برای دانشجویان | - | ۰/۸ | ۲/۶ | ۲/۹ | ۱۶/۳ | ۳۱/۶ | ۴۴/۷ | ۳۹/۶ | ۲۱/۱ | ۲۶/۳ |
| مشارکت دادن دانشجویان در محیط های تبلیغاتی ورزشی برای ایجاد کارآفرینی در حوزه تبلیغات ورزشی | - | ۱/۳ | ۲/۶ | ۷/۱ | ۲۴/۲ | ۳۱/۶ | ۳۴/۲ | ۲۷/۵ | ۳۴/۲ | ۴۲/۱ |
| آشنا کردن دانشجویان با ورزش قهرمانی برای ایجاد کارآفرینی در حوزه ورزش حرفه ای | - | ۲/۹ | - | ۳/۸ | ۲۲/۵ | ۳۱/۶ | ۴۴/۷ | ۴۲/۹ | ۲۸/۹ | ۳۱/۷ |
| مشارکت دانشجویان در امور فرهنگی ورزشی برای ایجاد کارآفرینی در زمینه فرهنگی ورزش | - | ۰/۸ | ۲/۶ | ۵ | ۱۸/۸ | ۲۲/۷ | ۴۴/۷ | ۴۲/۹ | ۲۸/۹ | ۳۱/۷ |

باتوجه به داده‌های جدول ۳، هر دو گروه کارفرمایان و دانشجویان درخصوص تأسیس انجمن‌های شغلی، ایجاد فعالیت‌های خوداشتغالی همخوان با رشته تحصیلی، برگزاری دوره‌های آمادگی شغلی، مشارکت دانشجویان در برنامه‌ریزی برای ورزش‌های همگانی، مشارکت دانشجویان در محیط‌های خبری ورزشی، عقد تفاهم‌نامه همکاری دانشکده‌های تربیت بدنی با دیگر سازمان‌ها، دعوت از الگوهای نمونه، برپایی نمایشگاه‌های فرصت‌های شغلی، مشارکت دانشجویان در امور فرهنگی ورزشی اتفاق نظر دارند و به یک اندازه درجه اهمیت زیاد را برای موضوعات ذکرشده، قائل‌اند.

در مورد برنامه‌ریزی برای آموزش تخصصی یک یا دو رشته ورزشی، هر دو گروه پاسخ را با درجه اهمیت خیلی زیاد ارزیابی کرده‌اند. به‌نظر می‌رسد هر دو گروه تمرکز بر یک یا دو رشته ورزشی را یکی از مناسب‌ترین راه‌های موفقیت در کار و وظیفه و ایجاد اشتغال می‌دانند. مقایسه دیدگاه‌های دانشجویان و کارفرمایان در مورد مشارکت دانشجویان در مسابقات دانشگاهی نشان داد دانشجویان به‌علت آشنایی نزدیک با محیط دانشگاه و نقش آموزشی آن، امتیاز بیشتری به تأثیر اقدام‌های انجام‌گرفته در نظام دانشگاهی قائل‌اند و کارفرمایان به علت ارتباط کمتر با این محیط به اندازه گروه اول اعتقاد به تأثیر آن ندارند.

در زمینه لزوم آشنا کردن دانشجویان با ورزش قهرمانی، دانشجویان نسبت به گروه دیگر با انتخاب گزینه خیلی زیاد علاقه بیشتری به الگوهای حرفه‌ای و حیطه ورزش قهرمانی نشان داده‌اند. این تفاوت ممکن است به علت حس آرمانگرایی بیشتر دانشجویان جوان نسبت به کارفرمایان و علاقه آنان به الگوهای قهرمانی باشد، ولی پراکندگی در پاسخ کارفرمایان نشان می‌دهد اگرچه از استان اردبیل قهرمانان نامی بسیاری به جامعه معرفی شده‌اند، اما به‌نظر می‌رسد به علت عدم گستردگی اشتغال به ورزش قهرمانی، کارفرمایان این عرصه را به اندازه دانشجویان جزو امکانات بالقوه کارآفرینی به‌شمار نمی‌آورند.

جدول ۴. نظرات کارفرمایان و دانشجویان در مورد نقش دولت در حمایت از فعالیت‌های کارآفرینانه فارغ التحصیلان دانشگاهی

| گویه‌ها | کم | | خیلی کم | | متوسط | | زیاد | | خیلی زیاد | |
|---|-----------|------------|-----------|------------|-----------|------------|-----------|------------|-----------|------------|
| | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان | دانشجویان | کارفرمایان |
| دولت با ارائه تسهیلات و طرح‌های اشتغال به صاحبان ایده‌ها و طرح‌های کارآفرینی می‌تواند بستر مناسبی برای کارآفرینی فراهم کند. | ۲/۱ | - | ۳/۸ | - | ۲/۶ | ۹/۶ | ۴۴/۷ | ۸/۳۸ | ۵۰ | ۴۴/۳ |
| دولت با قائل شدن اولویت در اعطای تسهیلات ارزان قیمت به فارغ التحصیلان رشته‌های ورزشی برای ایجاد کسب و کار می‌تواند از کارآفرین کردن آنان حمایت کند. | ۴/۲ | - | ۲/۵ | - | ۱۸/۴ | ۹/۲ | ۳۱/۶ | ۳۵/۴ | ۴۷/۴ | ۴۷/۱ |
| دولت با اعطای معافیت‌های مالیاتی و بیمه‌ای به سرمایه‌گذاران در بخش‌های ورزشی می‌تواند باعث تشویق فارغ التحصیلان در ایجاد خوداشتغالی شود. | ۲/۵ | ۲/۶ | ۴/۶ | ۱ | ۱۳/۲ | ۱۱/۷ | ۴۷/۴ | ۳۴/۲ | ۳۴/۲ | ۴۵/۸ |
| تشکیل یک بانک اطلاعات شغلی در سیستم آموزش عالی کشور را با همکاری دولت در چگونگی کاربایی مؤثر می‌دانم. | ۲/۱ | - | ۵ | - | ۲۸/۹ | ۱۷/۱ | ۲۸/۹ | ۳۲/۱ | ۳۹/۵ | ۴۱/۷ |

در مقایسه دیدگاه‌های مدیران ستادی و مربیان در مورد نقش دولت در حمایت از فعالیت‌های کارآفرینانه دانش‌آموختگان دانشگاهی و باتوجه به داده‌های جدول ۵ و اینکه $T=0/20$ و $P=0/159$ تفاوت معنی‌دار آماری بین نظرهای این دو گروه نشان داده نشد.

جدول ۵ - مقایسه دیدگاه‌های مدیران ستادی و مربیان در مورد متغیرهای تحقیق

| متغیر | گروه‌ها | میانگین | درجه آزادی | t | میزان معنی داری |
|--|--------------|---------|------------|-------|-----------------|
| تناسب سرفصل دروس رشته تربیت بدنی با نیازهای شغلی | مربیان | ۴۷/۷۷ | ۳۶ | ۲/۹۲۶ | ۰/۵۶۲ |
| | مدیران ستادی | ۴۳/۴۵ | | | |
| راهکارهای آموزشی دانشگاه از طریق مراکز کارآفرینی | مربیان | ۴۹/۵۰ | ۳۶ | ۱/۶۸۲ | ۰/۳۵۸ |
| | مدیران ستادی | ۴۶/۶۰ | | | |
| نقش دانشکده‌های تربیت بدنی در تقویت روحیه کارآفرینی | مربیان | ۵۷/۱۶ | ۳۶ | ۱/۹۱۳ | ۰/۲۶۵ |
| | مدیران ستادی | ۵۳/۶۰ | | | |
| نقش دولت در حمایت از فعالیت‌های کارآفرینانه دانش‌آموختگان دانشگاهی | مربیان | ۲۶/۶۱ | ۳۶ | ۰/۲۰۳ | ۰/۱۵۹ |
| | مدیران ستادی | ۲۶/۲۰ | | | |

همان‌طور که داده‌های جدول ۵ نشان می‌دهد و با توجه به اینکه در هر چهار متغیر تحقیق، $P < 0/05$ بوده است، تفاوت معنی‌دار آماری در دیدگاه‌های مربیان و مدیران ستادی در مورد تناسب سرفصل دروس رشته تربیت بدنی با نیازهای فعلی ($P=0/56$)، راهکارهای آموزشی دانشگاه از طریق مراکز کارآفرینی ($P=0/36$)، نقش دانشکده‌های تربیت بدنی در تقویت روحیه کارآفرینی ($P=0/26$) و نقش دولت در حمایت از فعالیت‌های کارآفرینانه دانش‌آموختگان دانشگاهی ($P=0/16$) مشاهده نشد.

پاسخ‌های کارفرمایان و دانشجویان به سؤال چهارم یعنی نقش دولت در حمایت از فعالیت‌های کارآفرینانه دانش‌آموختگان دانشگاهی در جدول ۴ ارائه شده است. باتوجه به این جدول، هر دو گروه کارفرمایان و دانشجویان ارائه تسهیلات به صاحبان طرح‌های کارآفرینی و خوداشتغالی، قائل شدن اولویت در اعطای تسهیلات ارزان‌قیمت دانش‌آموختگان رشته‌های ورزشی، پشتیبانی از آینده شغلی دانش‌آموختگان تربیت بدنی و ایجاد

قوانین مرتبط با قراردادهای کاری و حقوقی رشته تربیت بدنی را با درجه اهمیت خیلی زیاد، لازم دانسته‌اند و اهمیت فوق‌العاده‌ای به مشارکت دولت در حمایت از کارآفرینی و ایجاد بنگاه‌های زودبازده قائل شده‌اند. در زمینه اعطای معافیت‌های مالیاتی و بیمه‌ای به سرمایه‌گذاران، کارفرمایان اهمیت بیشتری قائل شده‌اند که این تفاوت ممکن است به علت آشنایی بیشتر و بهتر این گروه با تأثیر صنعت بیمه و سیاست‌های مالیاتی دولت باشد و هر دو گروه تشکیل بانک اطلاعاتی شغلی در نظام آموزش عالی را در حد زیاد لازم می‌دانند و به نقش مثبت فناوری اطلاعات در زمینه اشتغال اعتماد و اعتقاد کامل دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی پاسخ‌های کارفرمایان و دانشجویان نشان می‌دهد هر دو گروه دروس نظری و عملی را در راستای ایجاد مهارت‌های خوداشتغالی مناسب تشخیص داده‌اند و تنها در مورد دروس عملی دیدگاه دو گروه متفاوت است، به این صورت که اغلب کارفرمایان تناسب محتوای دروس کاربردی را در ایجاد کارآفرینی کمتر از دانشجویان تشخیص داده‌اند. با توجه به اینکه گروه کارفرمایان ارتباط نزدیک‌تری با زمینه‌های عملی بروز مهارت‌های کارآفرینی دارند، به نظر می‌رسد اظهار نظر این گروه به واقعیت نزدیک‌تر باشد و باید تمرکز بیشتری بر محتوای این دروس با جنبه‌های مهارتی و شکوفایی توانایی‌های حرکتی (قابلیت‌های مهارتی) دانشجویان شود. این نتیجه با نتایج تحقیقات کوزه‌چیان (۱۳۷۹)، علیزاده و نصیری (۱۳۸۰)، فراهانی (۱۳۸۶)، جک و اندرسون^۱ (۱۹۹۹) مبنی بر آموزش کارآفرینی به صورت نظری و عملی و نامناسب بودن آموزش عملی دانشکده‌های تربیت بدنی همخوانی دارد. نتایج این تحقیق با یافته‌های جونز اویزنز (۲۰۰۰) که اغلب به نقش دروس عملی و مهارتی در اشتغال و کارآفرینی پرداخته است، همخوانی ندارد. بنابراین با توجه به این یافته‌ها محتوا و نوع تدریس دروس عملی و مهارتی رشته تربیت بدنی باید مورد توجه و تجدیدنظر قرار گیرد و در نزدیک کردن مهارت‌های آموخته شده و نحوه به کارگیری آن در محیط‌های کاری بیشتر تلاش شود.

نتایج این تحقیق نشان داد هر دو گروه نمونه‌ها اعتقاد زیادی به اهمیت ایجاد و تحول در برنامه‌های آموزش تکمیلی و کاربردی در سرفصل دروس دارند. این نتیجه با نتایج تحقیقات نصر اصفهانی (۱۳۷۹) مبنی بر اضافه کردن دروس اختیاری و لزوم ایجاد تغییرات اساسی در دوره‌های تدریس همخوانی دارد. این یافته‌ها با دستاوردهای تحقیقی جونز اونز (۲۰۰۰) و مایکل برنن (۲۰۰۵) همخوانی ندارد، به نظر می‌رسد تحقیقات و مطالعات محققان داخلی لزوم تحول در برنامه‌ها را نسبت به تحقیقات محققان در کشورهای توسعه‌یافته، ضروری‌تر می‌دانند.

در مورد سؤال دیگر مبنی بر نقش مراکز کارآفرینی دانشگاه‌ها و ارائه راهکارهای آموزشی، نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که هر دو گروه کارفرمایان و دانشجویان اهمیت آموزش‌های لازم از طریق مراکز کارآفرینی را در راستای آموزش فنون و مهارت‌های یادشده، زیاد می‌دانند و با وجود اینکه پاسخ‌های گروه کارفرمایان با دیدگاه‌های دانشجویان یکسان است، اما وجود تفاوت‌های نسبی در درصدهای فراوانی این گروه که اغلب بیشتر از گروه دانشجویان است، نشان می‌دهد که کارفرمایان اهمیت بیشتری به آموزش مهارت در مراکز کارآفرینی قائل‌اند. به نظر می‌رسد علت این تفاوت، آشنایی بیشتر این گروه با زمینه‌های کاری و شغلی و شناخت دقیق‌تر شرایط لازم برای اشتغال در این زمینه است. چنانکه انتظار می‌رفت، هر دو گروه با وجود اینکه در پاسخ به سؤال‌های بخش اول، دروس نظری رشته را متناسب ارزیابی کرده‌اند. دقیقاً به همان اندازه معتقدند که نقش مراکز کارآفرینی دانشگاه‌ها در ارتقای مهارت‌های اجتماعی و ارائه برنامه‌های آموزشی و کمک‌آموزشی باید تقویت شود و این مسئله باید مدنظر سیاستگذاران فعالیت‌های مراکز کارآفرینی قرار گیرد. این نتایج با نتایج تحقیقات لیتونن^۱ (۲۰۰۰)، برنان^۲ (۲۰۰۵)، موریس، کورتکو، شیوهوت^۳ (۲۰۰۱)، علیزاده و نصیری (۱۳۸۰)، باقری (۱۳۸۴)، کیا، فلاح، مهدی‌نژاد، ظهیری (۱۳۸۵) در خصوص کارآفرینی و فعالیت‌های مراکز کارآفرینی و راهکارهای ارائه‌شده همخوانی دارد. در نتیجه اهمیت بیشتر به دروس کاروزی، اضافه کردن دروس با مضامین و محتوای کارآفرینی، خوداشتغالی و شناخت آموزش حوزه‌های کسب و کار در برنامه درسی و مهارتی دانشجویان تربیت بدنی در رفع این مشکل مؤثر خواهد بود.

در مورد نقش دانشکده‌های تربیت بدنی در تقویت روحیه کارآفرینی، نتایج بیانگر آن است که دانشکده‌های تربیت بدنی باید فعالانه در زمینه توسعه فعالیت دانشجویان در بخش‌های مختلف اجتماعی مرتبط با ورزش اقدام کنند. بررسی نحوه پاسخگویی آزمودنی‌ها به پرسش‌ها نشان داد که با وجود همخوانی نظرهای هر دو گروه در پاسخ به سؤالات، به طور معمول گروه کارفرمایان اعتقاد بیشتری در لزوم به کار گرفتن دانشجویان در عرصه‌های اجتماعی و کاربردی ورزش از طرف دانشکده‌ها دارند. این یافته ممکن است ناشی از درک اهمیت بیشتر نقش این گونه فعالیت‌ها از طرف کارفرمایان به هدف ارتباط نزدیک‌تر و تنگاتنگ با عرصه‌های مختلف اشتغال ورزشی باشد. همچنین دیدگاه‌های هر دو گروه در مورد برگزاری فعالیت‌های یادشده مثبت است، با این تفاوت که در برخی موارد دانشجویان اعتقاد بیشتری به انجام برخی از موارد از خود نشان داده‌اند. به نظر می‌رسد کارفرمایان به دلیل دوری از محیط‌های دانشگاهی به اندازه دانشجویان از نقش فعالیت‌های فوق برنامه دانشگاه اطلاع ندارند. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات فروغی پور (۱۳۸۴)، ترابی مهاجری و ملکی (۱۳۸۵) مبنی بر ضرورت ایجاد فعالیت‌های جنبی و کمک‌آموزشی دانشکده‌های تربیت بدنی در زمینه‌های مختلف ورزشی همخوانی دارد.

1- Littunen

2 - Brennan

3 - Morris and Kuratko and Schindehutte

در مورد نقش دولت در حمایت از فعالیتهای کارآفرینانه دانش‌آموختگان دانشگاهی، بررسی پاسخهای آزمودنی‌ها نشان داد که دیدگاه‌های هر دو گروه کارفرمایان و دانشجویان با یکدیگر همخوانی کامل دارد. همچنین مقایسه نحوه پاسخدهی به سؤالات این بخش با پاسخ سؤالات بخش‌های پیشین نشان داد که مجموع گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد پاسخ‌های این بخش بسیار بیشتر از انتخاب همین گزینه در سؤالات قبلی است. این مطلب بیانگر آن است که هر دو گروه نقش دولت در حمایت از فعالیتهای دانش‌آموختگان را مهم می‌دانند و آن را مؤثرترین عامل در کارآفرینی تلقی می‌کنند. این نتیجه با نتایج تحقیقات علیزاده و نصیری (۱۳۸۰)، باقری (۱۳۸۰) مبنی بر تأثیر سوء حمایت نکردن دولت از کارشناسان رشته تربیت بدنی و لزوم بازنگری در قوانین جاری اداری و نقش حمایت مالی دولت از فعالیتهای کارآفرینی همخوانی دارد. در این مورد نیز مغایرت قابل تأملی بین دیدگاه‌های آزمودنی‌های این پژوهش با تحقیقات انجام شده در کشورهای توسعه‌یافته (هانولیتون، ۲۰۰۰) وجود دارد. در این مطالعات و پژوهش‌ها سهم و نقش کمتری به دولت در فعالیتهای کارآفرینی داده شده و در مقابل بهره‌گیری از خدمات بخش خصوصی مؤثرترین راهکار در توسعه و ترویج فعالیتهای کارآفرینانه دانسته شده است.

در مقایسه دیدگاه‌های دو گروه از کارفرمایان (مدیران و مدیران ستادی) در مورد سؤالات چهارگانه این تحقیق تفاوت معنی‌دار آماری بین دو گروه مشاهده نشد و در همه موارد $P < 0/05$ بود.

باتوجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که با وجود اهمیت و ضرورت کارآفرینی سازمانی، شیوه‌های مدیریت کارآفرینانه، اغلب در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی پذیرفته نمی‌شود، تعهد به سنت و بیزاری از تجاری کردن آموزش و به‌ویژه تصور دانشجویان به‌عنوان مشتریان به جای افراد جویای دانش، اغلب بر تفکر اعضای دانشگاه حاکم است. در هر حال باید اذعان کرد که غالب خروجی دانشگاه‌ها نمی‌توانند به نحوی اثرگذار و به شکلی که رضایت کارفرما را تأمین کنند، در حیطه تخصصی خود پاسخگوی نیاز محیط‌های ورزشی باشند. برای دستیابی به این مهم لازم است دانشجویان در سال‌های آخر تحصیل پس از کارورزی و پردازش در محیط میانه (برنامه‌های کارورزی، کارگاه‌های آموزشی شرکت و همکاری در برگزاری رویدادهای ورزشی و مشارکت داوطلبانه در امور اجرایی ورزش) بین دانشگاه و بخش عملیاتی ورزش به‌تدریج وارد بازار کار شوند. در این میان باید پذیرفت که امروزه برگ برنده دانشگاه‌ها فقط در آموزش و پژوهش آنها نیست بلکه تبدیل یافته‌های پژوهشی به کالا و کارآفرینی و بهره‌وری کیفی بیشتر است. همچنین باید گفت که دانشگاه‌ها نمی‌توانند فقط به وظیفه آموزش و پژوهش بسنده کنند بلکه باید وارد محیط‌های کارآفرینی شوند و نوآوری کنند. براین اساس آموزش کارآفرینی به دانشجویان، ایجاد محیط میانه بین محیط‌های یادگیری و اجرا، تغییر سرفصل و محتوای آموزش و توجه عملیاتی‌تر به درخواست محیط‌های کاری و مدیریت کارآفرینانه دانشگاه‌ها و به‌طور خاص دانشکده‌های تربیت بدنی باوجود تمام پیچیدگی‌ها، مشکلات و هنجارشکنی‌هایی که دربردارد، از ضروریات امروز دانشکده‌های تربیت بدنی و ورزش است. این موضوع نه یک انتخاب بلکه الزام در مسیر نزدیک کردن خروجی

دانشکده‌ها با نیازهای محیط‌های ورزشی است. برای این اساس تدوین و تصویب قوانینی مبنی بر الزام بسترسازی در کارآفرینی ورزش، حمایت و تشویق از طرح‌های ابداعی و نوآوری‌های دانشجویان، ایجاد پژوهشکده‌های دانشجویی در دانشگاه‌ها و کانون‌های پژوهش دانشجویی در دانشکده‌ها، شرکت دادن دانشجویان در امور ورزشی و برنامه‌ریزی برای مسابقات و برپایی نمایشگاه‌ها و همایش‌های علمی در زمینه‌های کارآفرینی ورزشی پیشنهاد می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. احمدپور داریانی، م. (۱۳۸۱). "کارآفرینی: تعاریف، نظرات و الگوها". تهران، انتشارات شرکت پردیس، ۵۷.
۲. باقری، ب. (۱۳۸۴). "موانع کارآفرینی در ایران"، نشریه ایران.
۳. ترابی، م. (۱۳۸۵). "ضرورت توانمندسازی دانشجویان در دوران تحصیل"، رویش، شماره ۱۴.
۴. ظهیری، م. (۱۳۸۶). "توسعه کارآفرینی در دانشگاه‌های علوم پزشکی"، رویش، شماره ۱۶ و ۱۷.
۵. عزیززاده، ح. نصیری، خ. (۱۳۸۰). "بررسی مشکلات شغلی دانش‌آموختگان رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی"، حرکت، شماره ۷.
۶. فروغی پور، ح. (۱۳۸۴). "زمینه‌های کارآفرینی در ورزش از دیدگاه مدیران و متخصصان تربیت بدنی کشور و ارائه راهکار"، رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.
۷. فراهانی، ابوالفضل. بیات، فاطمه. (۱۳۸۶). "انتظارات شغلی دانشجویان تربیت بدنی"، نشریه رویش، شماره ۱۹، ص ۴۰ - ۳۴.
۸. فلاح شهیدی، ع. (۱۳۸۵). "شناسایی خدمات راهنمایی و آمادگی شغلی مورد نیاز دانشجویان در دانشگاه‌ها"، نشریه رویش، شماره ۱۵.
۹. کوزه‌چیان، ه. (۱۳۷۹). "بررسی وضعیت آموزشی دانشجویان دانشکده‌های تربیت بدنی کشور"، حرکت، سال دوم، شماره ۴.
۱۰. کیا، م. (۱۳۸۵). "نگاهی نو به آموزش‌های کارآفرینی"، رویش، شماره ۱۹.
۱۱. مهاجری، ع. (۱۳۸۵). "مروری بر خدمات دانشگاه‌های اروپایی در زمینه آمادگی شغلی دانشجویان دانشگاه فرانسه"، رویش، شماره ۱۴.

۱۲. ملکی، ب. (۱۳۸۶). "کارآفرینی در دانشگاه‌ها"، رویش، تدبیر، شماره ۱۸۲، ۶۰.
۱۳. نساج، س. (۱۳۸۶). "بررسی اثربخشی برنامه درس کارآفرینی کار و دانش از دیدگاه هنرآموزان دختر و پسر شاخه آموزش متوسطه مناطق ۱۹ گانه"، شهر تهران، رویش، شماره ۱۶ و ۱۷.
۱۴. نصرافهانی، جاویدپور، سعید. (۱۳۷۹). "میزان تناسب دروس دوره کاردانی تربیت بدنی با نیازهای شغلی دبیران این رشته"، حرکت، شماره ۶، ص ۲۲ - ۵.
15. Hanna, L. (2000). "Entrepreneurship and the characteristics of the entrepreneurial personality", *international Journal of entrepreneurial behavior and research*, vol. 6, No. 6, pp: 295-31.
16. Jones – Evens, D., W. Williams and J. Deacon, (2000). "Developing entrepreneurial graduates: an action – learning approach", *Journal of education and training*, 42 (4): PP: 282-288.
17. Karttunen, S. (2000). "The entrepreneurship in elderly care. The small business advancement national center". Finland. University of Oulu press.
18. Michael H. Morris, Ph.D. and Donald F. Kuratko, Ph.D. and Minet schindehutte, Ph.D, (2001). "Towards integration: understanding entrepreneurship through frameworks".
19. Michael C. Brennan, Anthony P.wall, Pauric McGowan, (2005). "Academic entrepreneurship assessing preferences in nascent entrepreneurs". *Journal of small and enterprise development*. Vol. 12, No. 3, PP: 307-322.
20. Sarah L. Jack Alistair, R. Anderson, (1999). "Entrepreneurship education within the enterprise culture producing reflective practitioners", *international journal of entrepreneurial behavior and research*, Vol. 5, No. 3, PP: 110-125.